

**Political Developed from the Perspective of Social Capital,  
with an Emphasis on Trust  
(With the Approach of the Iranian-Islamic)  
Case Study of City Shiraz**

**Mohammadreza Damiri\***

**Seyyed Mostafa Abtahi\*\***

**Abstract**

the precondition for political development and social capital of every country goes to the effectiveness of government. The aim of this study was to investigate the relationship between social capital and social capital and political development and introducing the element manufacturer's confidence in achieving political development with a native look (Islamic Irani) in Iran. Current research in terms of research, e-applications development and research methodology; mixed (quantitative-qualitative), analytical instruments, navigation is taking notes. The population of citizens of the city with a sample size of 283 people is randomly. The results of the study is significant direct relationship between social capital and trust component and endemic political development approach.

**Keywords:** Social Capital, Political Development, The Iranian Islamic Model, Trust, Shiraz.

\* Ph.d.student Political science, Faculty of Law and Political Science, University of Science and Research, Tehran, Iran (Corresponding Author), m.damiri2000@yahoo.com

\*\* Assistant Professor, Department of Political Science, Tehran Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, m.abtahi100@gmail.com

Date received: 17/02/2021, Date of acceptance: 02/05/2021



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



## توسعه‌یافتگی سیاسی از منظر سرمایه اجتماعی با تأکید بر اعتماد (با رویکرد اسلامی - ایرانی)؛ مطالعه موردی شهر شیراز

محمدرضا دمیری\*

سیدمصطفی ابطی\*\*

### چکیده

پیش شرط توسعه سیاسی و کارآمدی حکومت‌ها به سرمایه اجتماعی هر کشوری برمی‌گردد. سرمایه اجتماعی به‌عنوان پیوندها و هنجارهای مشترک و تعمیم اعتماد اجتماعی در سطح خرد و کلان نه تنها عامل تسهیل امور برای افراد و گروه‌هاست، بلکه عامل مهم در شناسایی جامعه سیاسی نیز است. هدف این پژوهش بررسی ارتباط میان سرمایه اجتماعی و توسعه سیاسی و شناساندن جایگاه سرمایه اجتماعی و عنصر سازنده آن، یعنی اعتماد، در رسیدن به توسعه سیاسی با نگاه بومی (اسلامی - ایرانی) در ایران است. پژوهش حاضر به‌لحاظ نوع تحقیق توسعه‌ای - کاربردی و روش تحقیق آمیخته (کمی - کیفی) و ابزار تحلیل مبتنی بر فیش برداری و پیمایش است. جامعه آماری شهروندان شهر شیراز با حجم نمونه ۲۸۳ نفر به‌صورت تصادفی ساده است. اندازه‌گیری پایایی داده‌ها با آلفای کرونباخ ۰/۸۱۰ و در محیط نرم‌افزار Spss20 و نرمال بودن توزیع داده‌ها نیز با آزمون کولموگروف - اسمیرنوف مورد بررسی قرار گرفت و رویایی محتوا نیز توسط استادان تأیید شد. نتیجه کلی پژوهش بر این است که رابطه مستقیم و معناداری بین سرمایه اجتماعی با مؤلفه اعتماد و توسعه سیاسی با رویکرد بومی وجود دارد.

**کلیدواژه‌ها:** سرمایه اجتماعی، توسعه سیاسی، الگوی اسلامی - ایرانی، اعتماد، شیراز.

\* دانشجوی دکتری تخصصی علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علوم و تحقیقات تهران، ایران (نویسنده مسئول)، m.damiri2000@yahoo.com

\*\* استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران m.abtahi100@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۲۹، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۱۲



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

## ۱. مقدمه

سرمایه اجتماعی (social capital) مفهوم جدیدی است که از علوم اجتماعی وارد میدان علوم سیاسی شده که حوزه وسیع پژوهشی و تأثیرگذاری بالقوه و بالفعل گسترده‌ای در صحنه روابط حکومت و جامعه دارد. سرمایه اجتماعی بر ارزش‌هایی تأکید دارد که شهروندان را به زندگی روزمره پیوند می‌دهد و روابط اجتماعی میان آنان را تقویت و تسهیل می‌نماید. سرمایه اجتماعی در واقع توانایی گسترش کنش، غنی‌سازی کنش، تسهیل کنش، کاهش هزینه کنش، و منبع کنش اجتماعی-سیاسی را داراست و ازسویی، محمل و حاصل آن نیز است. درمورد مفهوم سرمایه اجتماعی، تعریف و رویکرد واحد و مشترکی وجود ندارد، اما آنچه به‌عنوان مخرج مشترک همه رویکردها قابل طرح است، ذکر این نکته است که در واقع یکی از سرمایه‌های معنوی مهم در هر نظام اجتماعی، که از مؤلفه‌های اساسی و کلیدی در توسعه و ثبات یک کشور محسوب می‌شود، سرمایه اجتماعی است. از نظر نگارنده، سرمایه اجتماعی در واقع به پیوندها و ارتباطات میان افراد جامعه به‌عنوان منبع بارزش اشاره دارد که با دربرداشتن ارزش‌های اخلاقی و هنجارهای اجتماعی و اعتماد به‌طور شبکه‌ای موجب تحقق اهداف جامعه من‌جمله توسعه سیاسی (political development) می‌شود. سرمایه اجتماعی توانایی بالقوه و بالفعل این را دارد که انسان‌های دارای منافع متضاد و متنازع در یک وضعیت «بدبینانه» را به یک وضعیت خیر عمومی و یا فضیلت «خوش‌بینانه» سوق دهد. بنابراین، اهمیت سرمایه اجتماعی در شکل‌گیری توسعه سیاسی در هر جامعه‌ای انکارناپذیر است و استخراج مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی هم‌چون اعتماد برای دستیابی به توسعه سیاسی لازم و ضروری می‌نماید. ازسویی دیگر، ماهیت و مقوله توسعه سیاسی در جهان سوم همواره موضوع بحث‌برانگیز به‌ویژه از نیمه دوم قرن بیستم بوده و است و دیدگاه‌های گوناگونی برای توسعه و چگونگی دستیابی به آن ارائه شده و همگی در پی پاسخ به این سؤال بوده‌اند که با چه رویکرد و الگویی می‌توان به توسعه سیاسی جهان‌شمول در همه جوامع دست یافت؟ با توجه به مطالعات صورت‌گرفته در این زمینه، غالب پژوهش‌ها کم‌تر به نقش حیاتی سرمایه اجتماعی در توسعه سیاسی اشاره کرده‌اند. لذا این پژوهش در پی واکاوی و پرنمودن این نقیصه است. مطالعه و بررسی سرمایه اجتماعی و اهمیت آن در چند دهه اخیر توسط کسانی چون پی‌یر بوردیو، جیمز کلمن، فرانسیس فوکویاما، و رابرت پاتنام با رویکردهای غربی صورت گرفته است. نگارنده نیز ضمن توجه به اهمیت و نقش سرمایه اجتماعی با محوریت اعتماد (trust) در جهت توسعه سیاسی از

ادبیات رایج در زمینه سرمایه اجتماعی با ادبیات توسعه و توسعه سیاسی با مبنا و رگه‌های غربی به دلایل «هستی‌شناسانه» و «معرفت‌شناسانه» فاصله می‌گیرد و با طراحی و ایجاد سازه بومی (الگوی اسلامی - ایرانی) به تبیین و تشریح این مهم می‌پردازد، چراکه به اعتقاد اکثر پژوهش‌گران و اندیشمندان حوزه مطالعات فرهنگی و سرمایه اجتماعی حتی اگر مفهوم واحد داشته باشد قطعاً مصداق واحد در همه جوامع ندارد و اقتضای سرمایه‌بودن آن این است که در هر جامعه‌ای متناسب با مقتضیات آن جامعه شکل بگیرد. لذا، نمی‌توان میزان سرمایه اجتماعی مانند اعتماد را در جوامع مختلف با شاخص‌های یک‌سان سنجید (الویری ۱۳۸۴: ۱۱۵). لذا، اهمیت و ضرورت پژوهش حاضر را می‌توان در موارد ذیل بیان نمود:

- نقش بی‌بدیل سرمایه اجتماعی در پیروزی انقلاب اسلامی و لزوم حفظ و ارتقای آن؛  
- ضرورت‌های کشور در اسناد فرادستی و فرودستی در قالب برنامه‌های توسعه‌ای و برنامه افق ۱۴۰۴؛

- کم‌هزینه‌بودن سرمایه اجتماعی و پردوام‌بودن نقش آن؛  
- بومی‌سازی سرمایه اجتماعی با توجه به شرایط فرهنگی، مذهبی، و تاریخی (احیاسازی سرمایه اجتماعی با الگوی بومی).

به‌طور کلی، هدف این پژوهش در چند سطح قابل بیان است:

**اهداف نزدیک (جزئی):** بررسی نقش سرمایه اجتماعی و توسعه سیاسی با رویکردی اسلامی - ایرانی و تبیین و نسبت‌سنجی رابطه میان آن‌هاست.

**اهداف دور (کلان):** ضرورت بازنگری در عوامل زمینه‌ساز توسعه به‌ویژه توسعه سیاسی در نزد سیاست‌مداران، مدیران، برنامه‌ریزان، و پژوهندگان در دو بعد تئوریک و پراتیک با تأکید بر اعتماد است که مجموعه حاکمیت را چه در حوزه تقنین و چه در حوزه اجرا و برنامه‌ریزی یاری رساند و از طرفی، به زیان‌های ناشی از بی‌توجهی به سرمایه اجتماعی آگاه سازد. سؤال کلیدی این پژوهش مبنی بر این است چه نسبت و ارتباطی بین سرمایه اجتماعی با محوریت اعتماد و توسعه سیاسی (با رویکرد بومی) در شهر شیراز وجود دارد. فرضیه پژوهش بر این است که سرمایه اجتماعی با شاخصه اعتماد نقش مستقیم و معناداری در توسعه سیاسی (مشروعیت سیاسی - مشارکت سیاسی) با رویکرد بومی در شهر شیراز دارد.

## ۲. پیشینه پژوهش

اهمیت سرمایه اجتماعی و نقش آن در توسعه سیاسی را شاید بتوان به سال ۱۸۳۱، هنگامی که آلکسی دو توکویل فرانسوی برای بررسی دموکراسی در آمریکا به این کشور سفر کرد، ارجاع داد (محمدی ۱۳۸۴: ۴). اگرچه در استفاده از مفهوم مستقیم سرمایه اجتماعی توافق چندانی وجود ندارد، به طور کلی آنچه مورد توافق نسبی است این است که استفاده از این واژه نخستین بار در معنایی که امروز با آن سروکار داریم به سال ۱۹۱۶ یعنی به نوشته‌های لیدا جانسون هانیفان، سرپرست وقت مدارس ویرجینیای جنوبی در آمریکا، در کتاب مهمش به عنوان مرکز/اجتماع بازمی‌گردد. او در توضیح اهمیت مشارکت (در تقویت حاصل کار مدرسه) مفهوم سرمایه اجتماعی را مطرح کرده است (تاج‌بخش ۱۳۸۴: ۵۳۴). هانی فان در بحث از مراکز اجتماعات روستایی بر اهمیت احیای مشارکت‌های اجتماعی برای تداوم دموکراسی و توسعه تأکید کرد و مفهوم سرمایه اجتماعی را وضع نمود (توسلی و موسوی ۱۳۸۴: ۴). بعد از هانیفان، اندیشه سرمایه اجتماعی تا چندین دهه ناپدید شد، ولی در دهه ۱۹۵۰ توسط گروهی از جامعه‌شناسان شهری کانادایی و در دهه ۱۹۶۰ توسط جین جاکوبز در کتاب تأثیرگذارش به نام مرگ و زندگی در شهرهای بزرگ آمریکا به کار برده شد (الوانی و شیروانی ۱۳۸۵: ۳). در دهه ۱۹۷۰ توسط گلن لوری (Glenn Loury) و ایوان لایت (Evan Light) مطرح شد (فوکویاما ۱۳۷۹: ۱۰). اما از دهه ۱۹۸۰ به طور جدی توسط پی‌یر بوردیو، جیمز ساموئل کلمن، فرانسیس فوکویاما، به ویژه رابرت پاتنام در کتاب دموکراسی و سنت‌های مدنی به طور جدی وارد مباحث جامعه‌شناسی، اقتصاد، و علوم سیاسی شد (Onyx and Bullen 1998: 2؛ ازکیا و غفاری ۱۳۸۳: ۲۷۸). فران توتکس در کتاب اعتماد و سرمایه اجتماعی، ضمن جمع‌آوری مقالات صاحب‌نظران این امر، به سرمایه اجتماعی و روابط اعتماد با سرمایه اجتماعی جامعه مدنی اشاره می‌نماید. ازسویی، کتاب حاضر مفهوم اعتماد را در متن جامعه و تشکل‌های اجتماعی به چالش می‌کشد و ضمن ارائه تعریفی واقعی‌تر از جامعه، که در آن مفاهیم اعتماد و سرمایه اجتماعی محمل ظهور بیش‌تری را داشته باشد، سایر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی را به بحث می‌کشد (تونیکس ۱۳۸۷). آقای کیان تاج‌بخش در کتاب سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی، و توسعه ضمن جمع‌آوری مقالات متنوع مهم سرمایه اجتماعی به اهمیت و جایگاه «اعتماد، دموکراسی، و توسعه» با نگاه ویژه به مقوله سرمایه اجتماعی البته با رویکرد غربی می‌نگرد (تاج‌بخش ۱۳۸۴). محمود شارع‌پور در اثر سرمایه اجتماعی: مفهوم‌سازی، سنجش دلالت‌های سیاست‌گذاری

ضمن بررسی تاریخیچه مفهوم سرمایه اجتماعی، ریشه مفهومی سرمایه اجتماعی را به آثار ماکس وبر، دورکهایم، و زیمل برمی‌گرداند و معتقد است آنچه سرمایه اجتماعی را در امر سیاسی وارد نموده بحث جامعه مدنی است (شارع‌پور ۱۳۸۵).

### ۳. چهارچوب نظری

در جهت نظریات متفاوت سرمایه اجتماعی تئوری سرمایه اجتماعی فرانسیس فوکویاما و به‌ویژه رابرت پاتنام در حوزه سیاست بیش‌تر مورد توجه است. در این میان، رابرت پاتنام بیش‌ترین توجه را نسبت به مسئله دموکراسی، جامعه مدنی، توسعه سیاسی، و چگونگی دستیابی به آن داشته است. تأکید عمده وی بر نحوه تأثیر سرمایه اجتماعی بر رژیم‌های سیاسی و نهادهای دموکراتیک است (فیلد ۱۳۸۶: ۵۱). او در تحقیقاتش روی تأثیر سرمایه اجتماعی در رژیم‌های سیاسی و نهادهای دموکراتیک در پاسخ به این‌که چرا برخی حکومت‌ها با وجود ساختارهای مشابه و منابع مالی و قانونی یک‌سان (مثل شمال و جنوب ایتالیا) در رسیدن به توسعه سیاسی موفق‌ترند؟ به بحث سرمایه اجتماعی اشاره می‌نماید (تاج‌بخش ۱۳۸۴: ۹۶). از نظر پاتنام، سه منبع مهم تسهیل‌گر در کنش مشترک اعتماد، هنجارها- ارزش‌ها، و شبکه‌هاست که باعث بهبود و کارایی جامعه و تضمین منافع متقابل می‌شود (پاتنام ۱۳۸۵: ۲۸۵)، زیرا این عناصر یعنی الزامات اخلاقی و هنجاری، ارزش‌های اجتماعی (به‌ویژه اعتماد)، و شبکه‌های اجتماعی (به‌ویژه انجمن‌های داوطلبانه) هستند که حکومت خوب و پیشرفت اقتصادی و توسعه سیاسی را تضمین می‌کنند. شالوده فکری پاتنام مبنی بر این است که اگر در حکومت و منطقه‌ای نظام اقتصادی و توسعه سیاسی از سطح بالایی برخوردار بود، نتیجه انباشت موفقیت‌آمیز سرمایه اجتماعی و اعتماد گسترده در آن منطقه است. از نظر وی، سرمایه اجتماعی به‌مثابه هسته بنیادی است که در طی قرونتمادی در دل تاریخ یک جامعه حفظ و تقویت شده و پایه لازم را برای دستیابی آن جامعه به توسعه سیاسی و اقتصادی پایدار فراهم می‌آورد. سرمایه اجتماعی از نظر پاتنام وسیله‌ای اصلی برای رسیدن به توسعه سیاسی و اجتماعی در نظام‌های گوناگون سیاسی محسوب می‌شود (تاج‌بخش ۱۳۸۴: ۹۵). بنابراین، سرمایه اجتماعی پیش‌شرط توسعه سیاسی است. پاتنام عناصر اصلی سرمایه اجتماعی را در تعهد، اعتماد متقابل، ارزش‌ها و هنجارهای مشترک، احساس تعلق، صداقت، و تعاملات اجتماعی می‌داند (Putnam 1995: 134). البته رابرت پاتنام در میان عناصر ارزش و هنجاری بیش‌ترین توجه خود را به «اعتماد» می‌نماید،

چراکه اعتماد از مهم‌ترین و حیاتی‌ترین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در رسیدن به توسعه سیاسی و امنیت است. پاتنام سرمایه اجتماعی را به‌عنوان شبکه‌ای از انجمن‌های ارادی و خودجوش معرفی می‌کند که به‌وسیله اعتماد گسترش یافته‌اند (زتومکا ۱۳۸۷: ۱۸). اعتماد با فضای حاکی از اطمینان‌خاطر میان مردم و دولت‌مردان و نخبگان سیاسی موجب توسعه سیاسی می‌شود. بنابراین، اعتماد منبع بالارزشی است که اگر در حکومتی به‌میزان زیاد وجود داشته است، به همان اندازه امنیت، رشد سیاسی، و توسعه اجتماعی بیش‌تر خواهد بود. عنصر اعتماد در اندیشه پاتنام مفهوم محض نیست، بلکه عنصری کلیدی در بطن سرمایه اجتماعی و نماینده آن است. به‌اعتقاد پاتنام، اعتماد همکاری را تسهیل می‌کند و هرچه سطح اعتماد در جامعه‌ای بالاتر باشد، احتمال همکاری هم بیش‌تر خواهد بود و خود همکاری نیز اعتماد ایجاد می‌کند. پاتنام تأکید می‌کند بدون اعتماد اغلب فعالیت‌های اصلی زندگی روزمره غیرممکن می‌شود. او در کتاب *بولینگ/انفرادی* بیان می‌کند که صداقت و اعتماد اختلافات زندگی اجتماعی را حل می‌کند (Torgler 2007: 4).

از نظر فوکویاما، اعتماد یک ویژگی انسانی است که از طریق تعامل قابل مشاهده است. درجه بالای اعتماد در واقع تنوع گسترده‌ای از روابط اجتماعی را به‌هم‌راه داد. فوکویاما از اعتماد به‌مثابه شاخصی برای بیان سرمایه اجتماعی در معنای ارزش‌های جمعی شبکه‌های اجتماعی و اخلاق فرهنگی، که بنیاد شد و ثبات اقتصادی را تشکیل می‌دهد، استفاده می‌کند. از نظر او، اعتماد انتظاری است که از یک اجتماع برخوردار از رفتار منظم، دارای روابط دوستانه مشروع، و مبتنی بر تعاون و مشارکت برمی‌خیزد (Batt 2008: 488). به تعبیر وی، اعتماد بر یک عادات اخلاقی و تعهدات رفتاری دوطرفه استوار است که به‌وسیله اعضای جوامع نهادینه می‌شود. از میان پژوهش‌گران این حوزه (اعتماد)، فوکویاما پیش از سایرین به این بعد از سرمایه توجه کرده است. ازسوی دیگر، معتقد است بی‌اعتمادی باعث فرسایش سرمایه اجتماعی گردیده و به انزوا، ذره‌ای شدن، گسسته شدن پیوندها، و ازبین رفتن شبکه روابط بین فردی می‌انجامد و ازسوی دیگر، با تحریک و برانگیختن افراد و جست‌وجو برای یافتن جانشین‌ها، اغلب با پذیرش هویت‌های غیرقانونی (در باندهای بزه‌کاری، خرده‌فرهنگ‌های منحرف، و ...) فرد را از حالت خود خارج و او را از خود بیگانه می‌کند. فوکویاما، ضمن تأکید بر اهمیت فرهنگ در فعالیت‌های اقتصادی، تمایز ویژگی‌های فرهنگی هم‌چون قابلیت اعتمادکردن و روحیه مردم‌آمیزی را در موفقیت فعالیت‌های اقتصادی شرح می‌دهد و تا آن‌جا پیش می‌رود که تقسیم‌بندی جغرافیای اقتصادی جهان را



غیرمفید می‌خواند و معتقد است که کشورها را بایستی براساس ویژگی فرهنگی آن‌ها یعنی قابلیت اعتماد کردن آن‌ها تقسیم‌بندی کرد. به نظر او، سرمایه اجتماعی با «شعاع اعتماد» ارتباط تنگاتنگی دارد. هراندازه شعاع اعتماد در یک گروه اجتماعی گسترده‌تر باشد، سرمایه اجتماعی نیز زیادتر خواهد بود و به تبع آن، میزان همکاری و اعتماد متقابل اعضای گروه نیز افزایش خواهد یافت (فوکویاما ۱۳۷۹: ۲۱۵-۲۱۸). مفهوم شعاع اعتماد بر توانایی افراد جامعه بر فرارفتن از خانواده و خویشان، داشتن همکاری و هم‌یاری با دوستان، غریبه‌ها، و دیگر شهروندان اطلاق می‌شود (همان: ۱۷). به اعتقاد فوکویاما، جامعه‌ای دارای سرمایه اجتماعی بالایی است که دارای تعداد زیاد گروه‌های اجتماعی با اعتماد متقابل به یکدیگر و دارای انسجام گروهی باشد.

#### ۴. ارائه مدل مفهومی (الگوی اسلامی - ایرانی)

الگو در واقع چهارچوبی است که به یک حوزه علمی جهت و سازمان می‌دهد. از نظر نگارنده، الگو می‌تواند نقشه جامعی برای پاسخ به «چرایی»، «چیستی»، و «چگونگی» یک امر موضوعی باشد. ارائه الگوی بومی باید با مؤلفه‌هایی چون تاریخ، جغرافیا، اوضاع سرزمینی، آداب و رسوم، فرهنگ و میراث تاریخی، ایدئولوژی، جهان‌بینی، و دین آن جامعه هم‌خوانی و سازگاری داشته باشد و مبتنی بر آن باشد، چراکه تفاوت در فرهنگ‌ها تفاوت در آرمان‌ها و رفتارها را شکل می‌دهد و انتظارات از الگوی توسعه را متأثر می‌کند و طراحی الگوی توسعه نیز نمی‌تواند بدون توجه به ویژگی‌های فرهنگی خاص ترسیم شود. بنابراین، در الگوسازی باید ملاحظات تمدنی و شناخت‌شناسی، هستی‌شناسی، ارزش‌شناسی، و فرهنگ‌شناسی هر اجتماعی مورد توجه قرار گیرد (ابطحی ۱۳۸۵: ۸). الگوی اسلامی - ایرانی مجموعه نظام‌مندی از مفاهیم، اصول موضوعه، قوانین، و راهبردهاست که ساختار منطقی وضعیت موجود را تحلیل، وضعیت مطلوب را تبیین، و راه‌برد حرکت از وضعیت موجود به مطلوب را ارائه می‌دهد. در جهت ضرورت ارائه الگوی اسلامی - ایرانی می‌توان به هماهنگ‌سازی برنامه‌های راه‌بردی جامع با مبانی ارزشی - فرهنگی به‌عنوان «مظروف» و ازسویی تطبیق‌نمایی مزیت‌های انسانی، تاریخی، جغرافیایی، منابع طبیعی، و سایر فرصت‌ها به‌عنوان «ظرف» اشاره نمود (بنیانیان ۱۳۸۹: ۱۱-۱۴). توسعه مبتنی بر قابلیت‌های بومی از یک طرف موجب گوناگونی و از طرف دیگر در صورت برآورده شدن نیازهای محسوس و قابل درک نظام اجتماعی موجب یک‌سانی در اثربخشی الگوهای توسعه و پیشرفت در

جوامع بشری است (خوش‌چهره ۱۳۹۱: ۲۳۱). اسلامیت الگو نشان‌گر ضرورت هم‌خوانی الگو با مبانی هستی‌شناسی، شناخت‌شناسی، انسان‌شناسی، ارزش‌شناسی اسلامی، و نظام ارزشی و توجه به آموزه‌ها و تعالیم ثابت اسلامی است و ایرانیت الگو از یک طرف نمایان‌گر اراده، فکر، و ظرفیت ایرانی و از سوی دیگر به واقعیات (گذشته، حال، و آینده) و ظرفیت‌های بالفعل و بالقوه سرزمین (جغرافیای- کالبدی) و ملت ایران توجه دارد. ایرانیت با ظرف نهادی در جهت توسعه و اسلامیت با مظروفیت تعالی به مسیر توسعه سیاسی می‌تواند هدف‌بخش باشد. لذا، آنچه در این پژوهش حائز اهمیت است الگوسازی و بومی‌سازی سرمایه اجتماعی و توسعه سیاسی با رویکرد اسلامی- ایرانی است. الگویی که با وجود شعار چندین‌ساله به‌طور جدی توسط پژوهش‌گران تئوریزه‌نشده است و اگر هم شده، کلی‌گویی بوده و به‌طور تحلیلی و مصداقی تشریح نشده است. این پژوهش سعی در پردازش این الگو هم‌راه با شاخصه‌های آن دارد.

#### دلایل بومی‌سازی الگوی اسلامی- ایرانی توسعه سیاسی

- اکمیت و جامعیت منابع تمدنی، دینی، و ارزشی الگوی بومی؛
- باور به مبانی تمدنی اسلامی- ایرانی و معرفت و آگاهی نسبت به آن (تولید و بازتولید مبانی تمدنی)؛
- متناسب با باورها و هنجارهای مردم (سازگاری الگو با مبانی ارزشی و تمدنی)؛
- مبتنی بر فرهنگ و اعتقادات مردم (انطباق الگو با فرهنگ حاکم و باورهای اجتماعی)؛
- رهایی از الگوهای تک‌خطی توسعه (جای‌گزین‌سازی الگو)؛
- افزایش امنیت، قدرت ملی، عزت ملی، انضباط اجتماعی، و احساس مسئولیت اجتماعی سازگار با الگوی بومی؛
- توجه به ظرفیت‌پذیری و ظرفیت‌سازی منابع داخلی (احیاسازی منابع الگو)؛
- تطبیق‌پذیری مبانی توسعه با مبانی سرمایه اجتماعی در الگوی بومی.

#### ۵. شاخص‌های توسعه سیاسی

مهم‌ترین شاخصه‌های توسعه سیاسی در این پژوهش «مشروعیت سیاسی» و «مشارکت سیاسی» است. بحث مشروعیت سیاسی در عرصه دولت و حاکمیت و بحث مشارکت

سیاسی در عرصه ملت و نظارت سیاسی دو رکن بنیادین سیاسی و مستقل از هم، اما در عین حال مرتبط به هم هستند. مشروعیت سیاسی جوهری‌ترین وجه توسعه سیاسی و مشارکت سیاسی ظاهرترین وجه توسعه سیاسی است که در تمام الگوهای سیاسی و حکومتی به آن توجه شده است. بحث مشروعیت و حقانیت حکومت و فرمان‌روایی عده‌ای و فرمان‌بری گروهی دیگر و اطاعت از آن مسائلی است که از مهم‌ترین پرسش‌ها و دغدغه‌ها در طول تاریخ فلسفه سیاسی بوده‌اند و پرداختن به آن ضامن حفظ و بقای نظام سیاسی با همه نهادها، قوانین، و ارزش‌های آن است. نبود مشروعیت سیاسی در دولت موجب بحران مشروعیت و به دنبال آن باعث به وجود آمدن بحران مشارکت خواهد شد که در نتیجه به عدم کارایی نظام می‌انجامد. مهم‌ترین فایده مشروعیت مشروع‌سازی حکومت و رضایت‌مندی از ثبات سیاسی و توسعه سیاسی حکومت است. به دست آوردن مشروعیت یک نظام خود نیز تأثیرگذاری عمیقی در میزان مشارکت سیاسی آن دارد. مشروعیت بیان‌کننده رابطه میان رهبران و افراد در یک جامعه است و تنها از طریق درست‌بودن گفتار و عملکرد نخبگان و سیستم سیاسی است که افراد حاضرند همکاری‌ها و مساعدت‌های لازم را در دولت انجام دهند و یک حکومت هنگامی برای مردم مشروعیت دارد که از اعتقاد و اعتماد اجتماعی لازم برخوردار باشد، چراکه بی‌اعتمادی و آنومی یکی از موانع مهم توسعه سیاسی هر حکومتی است و به عبارتی، سرآغاز منشأ بحران‌های پنج‌گانه (مشروعیت - مشارکت، نفوذ، هویت) است. بنابراین، مسئله مشروعیت به ارزش‌های مشترک میان دولت و ملت اشاره دارد و بی‌ثباتی و بحران زمانی است که این ارزش‌ها کم‌رنگ شود. ذکر این نکته لازم است که در جهت مشروعیت سیاسی با توجه به الگوی اسلامی سنجه مشروعیت مورد نظر پژوهش مشروعیت عرضی اعتباری است که جنبه اثباتی دارد و نه مشروعیت به ذات که منشأ آن خداوند متعال است که جنبه ثبوتی دارد.<sup>۱</sup> از طرفی، در جهت مشارکت سیاسی باید گفت مشارکت سیاسی فرایندی است که مجموعه افراد جامعه با شرکت خودجوش، عقلانی، آگاهانه، داوطلبانه، آزادانه، و افقی در تصمیم‌گیری‌ها در اداره و سازمان‌دهی جامعه سهیم می‌شوند و سیاست عمومی را تبیین می‌کنند. مشارکت سیاسی هم دربردارنده درخواست‌ها و حمایت‌ها، هم گزینش سیاسی، و هم در فرایندهای سیاسی نظارت نقش تعیین‌کننده دارد. از این رو، مشارکت سیاسی شهروندان شرط لازم و ضروری توسعه مردم‌سالاری دینی است.

## ۶. اعتماد و نقش آن در توسعه سیاسی با توجه به مبانی دینی (اسلامی)

یکی از کارکردهای مهم دین در طول تاریخ ایجاد اطمینان و اعتماد در عرصه‌های مختلف است (زین‌آبادی ۱۳۸۷: ۱۵۲-۱۵۳). مطالعات انجام‌شده نشان می‌دهد که اعتماد اجتماعی نسبت به قشرها و گروه‌هایی که به‌نحوی با نهادهای فرهنگی، آموزشی، و دینی ارتباط دارند در مقایسه با قشرهای دیگر افزون‌تر است. ریشه این امر را باید در مؤلفه‌های «اعتمادساز» جست‌وجو کرد که از یک‌طرف با آموزه‌های دینی و از طرف دیگر با اعتقادات و باورهای عمومی در ارتباط نزدیک هستند و هرچه ارزش‌های دینی، فرهنگی، و اخلاقی تقویت شده باشد، رفتار افراد پیش‌بینی‌پذیرتر است، چراکه افراد در چهارچوب قواعد خاصی رفتار می‌کنند و مناسبات اجتماعی میان آنان به‌صورت روان و کم‌هزینه صورت می‌گیرد (شریفی ۱۳۸۷: ۲۸۲). بسیاری از اصول مانند درست‌کاری، صداقت، کمک، و محبت به دیگران در زمره هنجارهای دینی است و همه این خصوصیات می‌تواند زمینه تقویت اعتماد اجتماعی را فراهم نماید. لذا کسانی که به‌طور شخصی یا اجتماعی با آموزه‌های دینی ارتباط دارند هم مورد اعتماد هستند و هم اعتماد بیش‌تری به دیگران دارند (همان: ۲۹۲). تکوین سرمایه اجتماعی مستلزم وجود عواملی چند است که یکی از آن عوامل دین و فرهنگ دینی است. به‌نظر می‌رسد دین به‌عنوان ارزش‌های متعالی با کارکردهایی چون مشارکت، صداقت، تعهد، انضباط‌بخشی، و ... سازوکارهایی را موجب می‌شود که در قالب آن‌ها سرمایه اجتماعی شکل می‌گیرد و سایه‌های تحکیم توسعه را فراهم می‌نماید. بنابراین، رابطه دین و اعتماد اجتماعی - سیاسی مسئله‌ای است که به‌دلیل وجود چشم‌انداز دینی توسعه در جامعه کنونی ایران حائز اهمیت است. در این راستا، منابع اسلامی به‌طور کلی بزرگ‌ترین و مهم‌ترین منابع اعتمادساز با توجه به مؤلفه‌های گوناگون در یک نظام اجتماعی‌اند: اما در این میان آنچه از نظر نگارنده مهم و قابل‌پیوندسازی با مسئله اعتماد در لایه‌های اجتماعی و سیاسی جامعه ایران و وضعیت حاکم بر آن برای رسیدن به توسعه سیاسی با توجه به ماهیت پژوهش است شامل نماگرهای زیر می‌شود:

### ۱.۶ صداقت و راست‌گویی

این شاخص زیربنای دیگر شاخص‌های اعتماد است. صداقت در واقع یک ویژگی اخلاقی است که در اجتماع نقش آن امتداد می‌یابد. صداقت در میان افراد، مسئولان، نهادها، و

هم‌بستگی میان آن‌ها بسیار حیاتی است که بدون آن تعامل و تبادل اجتماعی با مشکل مواجه می‌شود. اخلاص در نیت و عمل و صداقت در پندار، گفتار، و کنش نقش مهمی در تعاملات اجتماعی داشته و دارد، زیرا افراد معتقد به خدا وقتی بر اساس اخلاص در عرصه‌های مختلف در مسیر حل مشکلات اجتماعی دیگران گام برمی‌دارند، از هرگونه انگیزه، هدف مادی، شخصی، و نفاق پرهیز می‌کنند و بیش از همه مورد اعتماد دیگران قرار می‌گیرند. در قرآن کریم نیز به کرات به مقوله اعتماد اشاره و تأکید زیادی برای ایجاد محیط مبتنی بر صداقت و درست‌ی شده است. قرآن با تأکید بر قراری صلح و آشتی، وفای به عهد، کتمان نکردن حقیقت، و راست‌گویی و دروغ‌نگفتن و صداقت در واقع به فراهم کردن زمینه‌های ایجاد اعتماد اجتماعی اشاره می‌نماید (بقره: ۲۰۸، ۳۷، ۴۰، ۴۴). حضرت امیر نیز در جهت افزایش اعتماد می‌فرماید: حاکمان باید صادق باشند و از دادن وعده‌های دروغین به مردم پرهیز کنند. امام علی در این باره می‌فرماید: «پرهیزید از این که مردم را وعده‌ای دهید و در وعده خلاف آری که خلاف وعده خشم خدا و مردم را برمی‌انگیزاند، چرا که خداوند فرموده است: بزرگ‌دشمنی است نزد خدا بگویند و عمل نکنند» (نهج‌البلاغه: نامه ۵۳). لذا، حضرت امیر مؤمنان همواره به حاکمان اسلامی توصیه می‌کند که از بزرگ‌نمایی کارهای خود و دادن وعده‌های دروغین پرهیز کنند و همواره راست‌گویی و صداقت را پیشه خود سازند. «فلیصدق رائد اهل»؛ پس پیشوایان قوم باید با مردم خود به راستی سخن بگویند (نهج‌البلاغه: خطبه ۱۵۴). حضرت علی هم چنین خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «برای کنترل کارگران خود دیده‌بانی از اهل صدق و وفا تعیین کن» (نهج‌البلاغه: نامه ۵۳). حضرت امام رضا می‌فرماید: «سیره پیامبر چنین بود هرگاه سپاهی را به جایی می‌فرستاد به فرمانده آن اعتماد بود، آن حضرت فردی مورد اعتماد را همراه سپاه می‌فرستاد تا اوضاع و احوال سپاه و فرمانده آن را زیر نظر داشته باشد و به آن گرامی گزارش دهد» (رسائل الشیعه ج ۱۵؛ به نقل از خواجه‌سروی و دیگران ۱۳۹۲: ۵۰). بنابراین، اگر در جامعه‌ای افراد از روی صداقت به تعامل با یک‌دیگر پردازند، بیش از هر جای دیگر در آن اعتماد وجود دارد و این مسئله در اسلام بیش از هر جای دیگر امکان ظهور و بروز دارد (فصیحی ۱۳۸۹: ۹۰).

## ۲.۶ عدالت

بسیاری از ویژگی سرمایه اجتماعی و توسعه از این مسیر عبور می‌نمایند و معنا و مفهوم واقعی خود را پیدا می‌کنند. دین اسلام نیز توجه زیادی به مسئله عدالت و انصاف، که یکی

از زیربناهای مهم اعتماد است، می‌نماید. در آیات و روایات اسلامی مکرراً به حاکمیت عدالت در روابط انسان‌ها توصیه شده است. در اندیشه و سیره امام علی، که نماد و اسوه حکومت اسلامی است، عدالت دارای جایگاه محوری و محکم در تنظیمات حیات اجتماعی انسان‌هاست. ارزش و اهمیت عدالت از منظر امام در درجه بالایی از اعتبار است که انگیزه اصلی حضرت در قبول حکومت است. از آن‌جاکه امام علی فلسفه حکومت را اجرای عدالت در میان مردم می‌داند، پس یکی از بهترین راه‌های کسب اعتماد آنان را نیز استقرار عدالت در میان آن‌ها می‌داند و می‌فرماید: «به‌درستی که بهترین چشم و روش زمام‌داران استقامت و استقرار، عدالت در شهرها، و بروز مودت و محبت مردم جامعه درباره آن می‌باشد که مودت و محبت آنان به زمام‌داران نمی‌جوشد، مگر این‌که دل‌های مردم درباره زمام‌دارانشان سالم باشد» (نهج‌البلاغه: نامه ۵۳). از دیدگاه حضرت امیر، عدالت لازمه زندگی اجتماعی است، زیرا عدالت، محکم‌ترین پیوند دولت و مردم و هم‌دلی و هم‌راهی آنان و ایجاد اعتماد متقابل، جز در سایه عدالت و انصاف حاصل نمی‌شود. امیر مؤمنان می‌فرماید: «عدالت نظام‌بخش حکومت است» (تهرانی ۱۳۷۹: ۲۵۳). ایشان همواره کارگزاران خود را پیوسته به رعایت عدالت در اداره امور سفارش می‌کرد: چنان‌که وقتی محمدبن ابی‌بکر را والی مصر قرار داد در فرمانی به او یادآور می‌شود تا با مردم به‌نرمی رفتار کند و همه را به یک چشم بنگرد و خویش و بیگانه را در حق برابر شمارد. از سویی، برقراری اعتماد متقابل میان افراد جامعه به‌ویژه حاکمان و مردم یکی از عوامل مهم دستیابی به آرامش و امنیت در حوزه سیاسی است. از این‌رو، امام علی در فرمان خود به مالک اشتر آن را مهم‌ترین عامل ایجاد آرامش خاطر حاکمان و فراغت بال آنان در رسیدگی به امور مردم و توسعه و ترقی داشته، می‌فرماید: «پس رفتار تو چنان باشد که خوش‌گمانی رعیت برایت فراهم آید که این رنج دراز را از تو می‌برد، به خوش‌گمانی تو، آن‌کس سزاوارتر که از تو به او نیکی رسیده و بدگمانی بدان بیش‌تر است که از تو بدی دیده» (نهج‌البلاغه: نامه ۵۳). بنابراین، باید گفت حاکمیت عدالت یکی از مؤلفه‌های کلیدی در مشروع‌سازی حکومت‌ها و به‌تبع آن مشارکت‌گستری در بین افراد جامعه است.

### ۳.۶ شفافیت در امور

ابهام‌کاری، عدم پاسخ‌گویی، و عدم شفافیت در سطح زندگی سیاسی-اجتماعی (چه در سطح فردی و چه در سطح گروهی) بی‌اعتمادی را در جامعه رواج می‌دهد، زیرا یکی از

عواملی که از بی‌عدالتی‌ها و فسادهای بالقوه جلوگیری می‌نماید شفافیت است. لذا، شفافیت و پاسخ‌گویی، مشخص بودن مسئولیت انجام کار، تعویض‌پذیر بودن مسئولیت، پاسخ‌گویی در قبال امور محوله، مستند و مستدل بودن پاسخ، و توجیه‌سازی منطقی و عینی مردم نسبت به کم‌وکیف مسائل جامعه یکی از ارزش‌های کلیدی در نظام مردم‌سالاری دینی است. لذا، این مسائل در *نهج‌البلاغه* در نامه‌ها و حکمت‌هایی چون «نامه ۵۳»، «نامه ۵۰»، حکمت ۹۱، ۱۳۴، ۲۴۲، ۲۵۷، ۳۳۰، ۴۶۴ و ... بسیار سفارش و اشاره شده است. حضرت علی می‌فرماید: «اگر شهروندان درباره‌ی تو ستم روا داشتند تو ستم را گمان بردند، دلیل خود را برایشان شفاف آشکار کن و با این شفاف‌سازی‌ات گمان‌های بد ایشان را از خویش بگردان» (*نهج‌البلاغه*: نامه ۵۳). ایشان بنای حکومت را بر صداقت، روشنی، و شفاف‌سازی می‌گذارد؛ چنان‌که، در آغاز حکومت خویش، روش حکومت‌داری مدیریت خود را چنین بیان می‌کند: «به خداوند سوگند، هرگز به اندازه‌ی سرسوزنی حقیقت را پنهان نداشته‌ام و هیچ‌گونه دروغی نگفته‌ام» (همان: خطبه ۱۶). حضرت امیر هم‌چنین می‌فرماید: «هان بدانید که حق شما در نزد من آن است که هیچ‌رازی را (جز در جنگ) از شما پنهان ندارم» (همان: نامه ۵۰). بنابراین، یکی از راه‌های وصول به خوش‌بینی و اعتماد به مردم را اطلاع‌رسانی بدون واسطه و شفاف‌سازی در جمع مردم قلمداد می‌کند و می‌فرماید: «بدان که نفوس مردم راضی نمی‌شوند و قبول نمی‌کنند که تو غایبانه ادای حقوق خویش کرده، تا مشافهه حاجات ایشان را نشنوی ...» (همان: نامه ۶۷) یا نمونه این شفاف‌سازی را در نامه ۲۵ آن حضرت نیز می‌بینیم. هم‌چنین، در نامه ۵۳ امیر مؤمنان به مسئولیت‌پذیری و حساب‌کشی کارگزاران در برابر عامه مردم اشاره می‌نماید و آن را مبنای اصلاح حکم‌رانی می‌داند و تأکید می‌کند پاسخ‌گویی و مسئولیت فقط در باب زیردستان جاری نمی‌شود، بلکه حکمرانان عالی‌رتبه را نیز در بر می‌گیرد و در ادامه می‌فرماید: «اگر شهروندان گمان بردند که تو از حق منحرف شده‌ای، دلیل خود را که از حق منحرف نشده‌ای برایشان آشکار کن و در این میان، روشن‌گری کن». در این میان، مسئولان را به برقراری اعتماد و اطمینان رابطه میان زیردستان سفارش می‌کند. لذا، در این راستا، شفافیت و پاسخ‌گویی هم‌چنان‌که بر اعتمادسازی متقابل میان مردم و مسئولان منجر می‌شود، باعث مشارکت‌پذیری و مشروعیت‌سازی نظام سیاسی موردنظر نیز می‌شود و زمینه و مسیر را برای توسعه سیاسی هموار می‌سازد، چراکه یکی از ویژگی‌های بارز جوامع توسعه‌یافته سیاسی شفافیت و شفاف‌سازی (پاسخ‌گویی) است.

## ۴.۶ شایستگی (شایسته‌سالاری)

شایستگی شامل مهارت‌ها، دانش، و تخصص‌های بین‌فردی افراد است. شایستگی مبین این است که آن فرد می‌تواند به آنچه بگوید عمل کند. ما هنگامی به فرد اعتماد می‌کنیم که مطمئن شویم او از توان و مهارت لازم جهت آنچه می‌گوید برخوردار است. شایستگی یکی از مؤلفه‌های اعتمادسازی است که همواره در دین مبین اسلام مورد توجه بوده و است. شایستگی نشان‌دهنده داشتن شرایط لازم برای انجام کار و صلاحیت در امور، اهلیت داشتن و مهارت، و تناسب بین استعدادها و مسئولیت، و اعتقاد و باور به آن ویژگی است. اگر افراد نالایق اداره امور را به دست بگیرند، نه تنها اهداف نظام سیاسی محقق نمی‌شود، بلکه سلامت و کارایی آن نظام اجتماعی به هم می‌خورد و بی‌اعتمادی و بی‌ثباتی را رایج می‌سازد. از دیدگاه اسلام، زمام‌داران امانت‌دار مردم‌اند و از مصادیق امانت‌داری این است که کارها را به کاردان و شایستگان سپرد که در غیر این صورت باب همه ستم‌ها گشوده و بی‌عدالتی حاکم می‌شود. خداوند متعال می‌فرماید: «ان تودو الاماناتها با اهلها»؛ امانت‌ها را به اهلش بازگردانید ... (نسا: ۵۸؛ انبیا: ۱۰۵)، چراکه مدیریت و ریاست امانتی است سنگین که باید به اهلش سپرده شود. سیره عملی پیامبر اکرم و امیر مؤمنان در دوران زمام‌داری خود مبتنی بر رعایت شایستگی و استحقاق‌ها و اهلیت در واگذاری و مسئولیت بوده است. در الگوی جامع صلاحیت اداری در نهج‌البلاغه به ضرورت شایسته‌سالاری، حاکمیت قانون، وفای به عهد، شفافیت، اعتمادسازی، و ... تأکید شده است و در سراسر نهج‌البلاغه عبارت‌ها و دلالت‌های بسیاری از ضرورت شایسته‌سالاری حکایت دارند. امیر مؤمنان به کارگماری و انتصاب افراد فاقد صلاحیت برای اداره امور را موجب شکست و هلاکت می‌دانند (آمدی تیمی ۱۳۶۶: ج ۷؛ به نقل از شیخی ۱۳۹۰: ۱۰۰). خروجی نامه ۵۳ نهج‌البلاغه نیز بیان‌گر آن است که شایستگی اخلاقی - خودسازی و مهارت نفس مقدمه شایستگی اخلاق برای حکمران سالم است. بدون مهارت نفس، کارگزار اداره همواره در معرض سقوط و انحطاط در سراسیمگی سوءاستفاده از قدرت دارد. حضرت امام خمینی نیز در راستای شایستگی و شایسته‌سالاری می‌نویسد: همه دست‌اندرکاران به‌ویژه رئیس‌جمهور باید از چاپلوسان، دغل‌بازان، و زبان‌بازان حيله‌گر برحذر باشند و مشاوران خود را از اشخاص سلیقه‌دار، که تعهداتشان قبل از انقلاب مشهود بوده است، انتخاب کنند. بسا که منحرفان و منافقان خود را با ظاهری آراسته به تقوا جا بزنند و با دست ما به اسلام و کشور اسلامی صدمه بزنند (امام خمینی ۱۳۸۵: ۳۷۰). در دیدگاه امام خمینی، تنها راه شایستگی ملت و



کشور شایستگی دولت آن است. بدبختی و خوش‌بختی ملت‌ها بسته به اموری است که یکی از جهات آن صلاحیت‌داشتن هیئت حاکمه است، اگر هیئت حاکمه فاسد باشد، مملکت را به فساد می‌کشند (همان: ۲۲۰) و حضرت امام بارها بر تخصص و صلاحیت در کارها تأکید می‌کنند (همان). بنابراین، شاخصه‌های موردنظر (صداقت، شایستگی، ثبات، شفافیت، انصاف، عدالت، و ...) کنش‌های اجتماعی را تسهیل می‌کنند و هزینه ارتباط‌های اجتماعی را کاهش می‌دهند. از نظر نگارنده، بسیاری از دشواری‌های کشورهای توسعه‌نیافته، که با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند، با عدم راست‌گویی و صداقت، عدم شفافیت رهبران و مدیران، عدم حاکمیت عدالت (رویه‌ای، قضایی، و توزیعی)، و عدم شایستگی آنان در ارتباط مستقیم است که بر بی‌اعتمادی آن‌ها می‌افزاید و زمینه‌های تزلزل اجتماعی یک نظام سیاسی را برملا می‌سازد، زیرا اعتماد مردم به مسئولان از سویی و اعتماد به افراد جامعه از سوی دیگر ایجاد قدرت، مشروعیت، و انگیزه مشارکت و توسعه می‌نماید. در شوریهایی که دروغ، خلف وعده، خیانت در امانت، بی‌عدالتی، و عدم شایسته‌سالاری نهادینه شده است دیگر معنا و مفهومی از سرمایه اجتماعی، که زیربنای توسعه سیاسی است، مشاهده نمی‌شود.

## ۷. روش تحقیق

تحقیق حاضر با توجه به این که براساس الگوی بومی و جمعیت‌شناختی داخلی صورت گرفته از نظر نوع تحقیق توسعه‌ای- کاربردی و از نظر روش تحقیق خودآمیخته (کمی- کیفی) یا ترکیبی است. برای جمع‌آوری داده‌های این پژوهش از دو روش کتاب‌خانه‌ای و پیمایشی استفاده شده است. در زمینه مبانی نظری و ادبیات و پیشینه تحقیق از منابع کتاب‌خانه‌ای و مقالات با استفاده از ابزار فیش‌برداری و در حوزه تحقیقات میدانی نیز به منظور جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات برای تجزیه و تحلیل از پرسش‌نامه «محقق ساخته» استفاده گردیده است. روش نمونه‌گیری این پژوهش به صورت تصادفی ساده با حجم نمونه پژوهش ۲۸۳ نفر از شهروندان شهر شیراز است.

پرسش‌نامه پژوهش شامل دو قسمت است:

الف. سؤالات عمومی: در سؤالات عمومی سعی شده است که اطلاعات کلی و جمعیت‌شناختی درباره پاسخ‌دهندگان جمع‌آوری شود. این بخش شامل چهار سؤال است.

ب. سؤالات تخصصی: این بخش شامل هشت سؤال است. در طراحی این قسمت، سعی شده است که پرسش‌نامه تا حد ممکن کوتاه و به‌آسانی قابل فهم باشد که برای پاسخ به پرسش‌های اصلی پرسش‌نامه از طیف پنج‌تایی به‌صورت جدول ۱ استفاده شده است:

جدول ۱. گزینه‌های مربوط به سؤالات اصلی پرسش‌نامه و ارزش آن‌ها

| گزینه‌ها | خیلی زیاد | زیاد | متوسط (نمی‌دانم) | کم | خیلی کم |
|----------|-----------|------|------------------|----|---------|
| ارزش     | ۱         | ۲    | ۳                | ۴  | ۵       |

برای این منظور براساس متغیرهای موردبررسی هشت سؤال پنج‌گزینه‌ای تدوین شده است.

### ۱.۷ تعیین پایایی قابلیت اعتماد (reliability) پرسش‌نامه

در این پژوهش، دامنه ضریب قابلیت اعتماد از صفر (عدم ارتباط) تا +۱ (ارتباط کامل) است و به‌منظور تعیین پایایی آزمون از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. برای محاسبه قابلیت اعتماد از ضریب آلفای کرونباخ با فرمول زیر در محیط spss20 استفاده شده است:

$$r_{\alpha} = \frac{J}{J-1} \left( 1 - \frac{\sum_{j=1}^n s_j^2}{S^2} \right)$$

که نتیجه زیر به‌دست آمده است:

| آلفای کرونباخ | تعداد   |
|---------------|---------|
| ۰/۸۱۰         | ۲۸۳ نفر |

### ۲.۷ آزمون نرمال بودن توزیع داده‌ها

نتایج حاصل از آزمون نرمال بودن توزیع داده‌های پرسش‌نامه‌های پژوهش به‌صورت زیر است:

توسعه یافتگی سیاسی ... (محمد رضا دمیری و سید مصطفی ابطحی) ۴۱

جدول ۲. نتایج حاصل از آزمون نرمال بودن توزیع داده‌های پرسش‌نامه‌های پژوهش

|        |        |        |        |        |                             |                             |
|--------|--------|--------|--------|--------|-----------------------------|-----------------------------|
| پرسش ۵ | پرسش ۴ | پرسش ۳ | پرسش ۲ | پرسش ۱ | تعداد                       |                             |
| ۲۸۳    | ۲۸۳    | ۲۸۳    | ۲۸۳    | ۲۸۳    |                             |                             |
| ۳/۴۸   | ۳/۵۲   | ۳/۷۰   | ۳/۷۲   | ۳/۸۲   | میانگین                     | پارامترهای نرمال            |
| ۰/۹۱۳  | ۰/۸۴۹  | ۰/۹۱۱  | ۰/۹۲۸  | ۱/۰۱۷  | خطای استاندارد              |                             |
| ۴/۴۹۰  | ۴/۳۴۴  | ۵/۲۳۸  | ۵/۶۳۲  | ۴/۱۱۳  | آزمون کولموگوروف - اسمیرنوف |                             |
| ۰/۰۰۰  | ۰/۰۰۰  | ۰/۰۰۰  | ۰/۰۰۰  | ۰/۰۰۰  | سطح معنی دار                |                             |
| پرسش ۸ |        | پرسش ۷ |        | پرسش ۶ |                             | تعداد                       |
| ۲۸۳    |        | ۲۸۳    |        | ۲۸۳    |                             |                             |
| ۳/۸۷   |        | ۳/۴۱   |        | ۳/۴۶   |                             | میانگین                     |
| ۰/۶۸۶  |        | ۰/۸۶۴  |        | ۰/۸۶۸  |                             | خطای استاندارد              |
| ۴/۴۱۶  |        | ۴/۸۰۶  |        | ۵/۷۸۰  |                             | آزمون کولموگوروف - اسمیرنوف |
| ۰/۰۰۰  |        | ۰/۰۰۰  |        | ۰/۰۰۰  |                             | سطح معنی دار                |

همان‌طور که جداول بالا نشان می‌دهند، توزیع داده‌های پرسش‌نامه‌ها با استفاده از آزمون کولموگوروف - اسمیرنوف نرمال و مورد تأیید است.

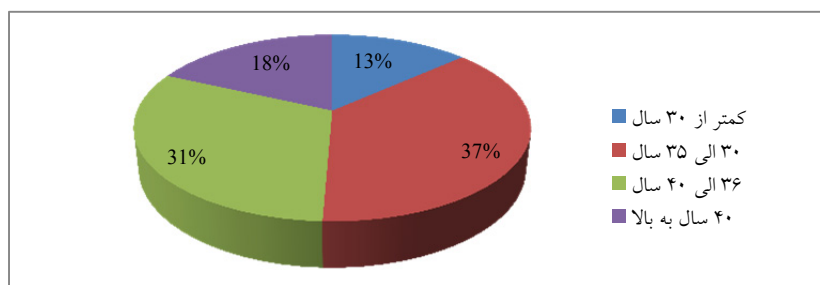
### ۳.۷ یافته‌های تحقیق

یافته‌های به دست آمده در دو بعد زیر قابل بررسی است:

#### ۱.۳.۷ آمار توصیفی

آمار توصیفی نمونه آماری پژوهش حاضر به این ترتیب است:

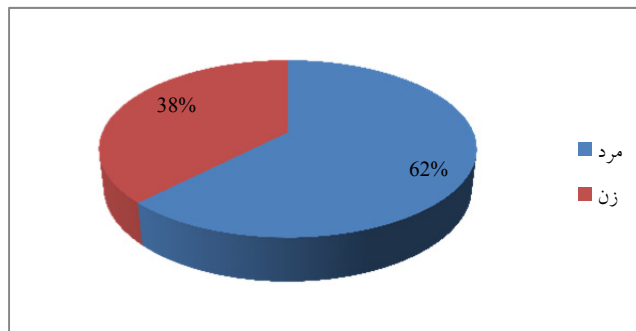
الف: توزیع سنی: نمودار ۱ توزیع سنی نمونه آماری تحقیق حاضر را نشان می‌دهد:



نمودار ۱. توزیع سنی نمونه آماری تحقیق حاضر

همان‌طور که نمودار بالا نشان می‌دهد، بیش‌ترین سن مربوط به سی تا ۳۵ سال و کم‌ترین سن مربوط به کم‌تر از سی سال است.

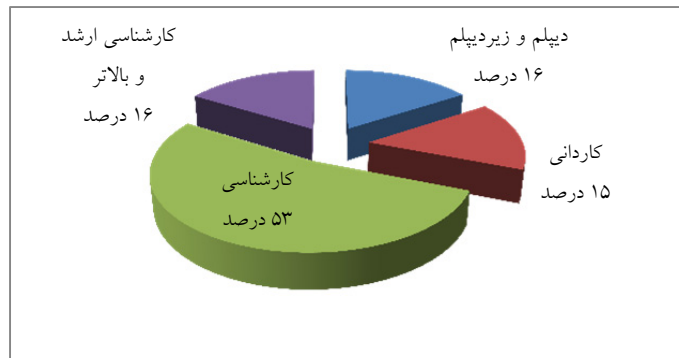
ب: توزیع جنسیتی: نمودار زیر توزیع جنسیتی نمونه حاضر در پژوهش حاضر را نشان می‌دهد:



نمودار ۲. توزیع جنسیتی نمونه حاضر در پژوهش

همان‌طور که نمودار بالا نشان می‌دهد، بیش‌ترین تعداد نمونه آماری مربوط به مردان است.

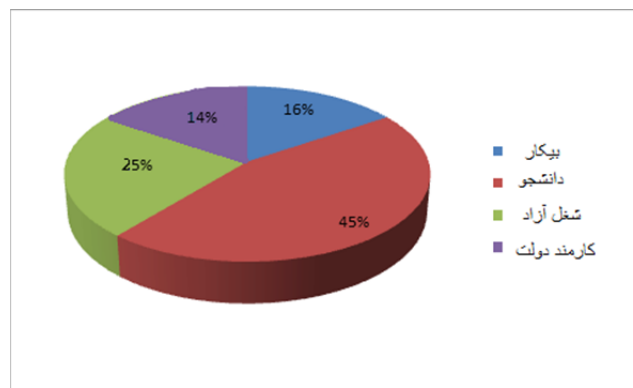
پ. توزیع تحصیلی: نمودار زیر توزیع تحصیلی نمونه تحقیق را نشان می‌دهد:



نمودار ۳. توزیع تحصیلی نمونه تحقیق

نمودار بالا نشان می‌دهد که بیش‌ترین تحصیلات مربوط به مقطع کارشناسی و کم‌ترین آن مربوط به کاردانی است. شانزده درصد دیپلم و زیردیپلم، پانزده درصد کاردانی، ۵۳ درصد کارشناسی، و شانزده درصد کارشناسی ارشد و بالاتر هستند.

ت. توزیع از نظر شغل: نمودار زیر توزیع نمونه آماری پژوهش از نظر شغل را نشان می‌دهد:



نمودار ۴. توزیع نمونه آماری پژوهش از نظر شغل

شکل بالا نشان می‌دهد که بیش‌ترین شغل مربوط به دانشجویان و کم‌ترین شغل کارمندان دولت هستند. به‌طور کلی، آمار توصیفی ما به‌لحاظ سن، تحصیلات، شغل، و جنسیت در این پژوهش صرفاً جهت توصیف جامعه آماری و طبقه‌بندی آن است.

### ۲.۳.۷ آمار استنباطی

آزمون‌های نماینده‌های پژوهش: در تمامی آزمون‌های این پژوهش از رگرسیون (هم‌بستگی) استفاده شده است.

آزمون‌های نماینده اول: «صداقت و راست‌گویی مسئولین با مردم و درمیان جامعه بر مشروعیت سیاسی و مشارکت سیاسی نظام سیاسی می‌افزاید». جدول زیر نتایج حاصل از آزمون این نماینده را نشان می‌دهد:

نتایج آزمون نماینده اول:

| صداقت و راست‌گویی مسئولان |               | مشروعیت سیاسی و مشارکت سیاسی |
|---------------------------|---------------|------------------------------|
| ۰/۵۷۷                     | ضریب هم‌بستگی |                              |
| ۰/۰۰۰                     | سطح معنی‌دار  |                              |
| ۲۸۳                       | تعداد         |                              |

همان‌گونه که در جدول بالا ملاحظه می‌شود، در سطح خطای  $\alpha = 0.05$  داریم:  $0 \cong Sign < \alpha = 0.05$  و این بدان معناست که فرض اول پژوهش مبنی بر این که «صداقت و راست‌گویی مسئولین با مردم و درمیان جامعه بر مشروعیت سیاسی و مشارکت سیاسی نظام سیاسی می‌افزاید» تأیید می‌شود.

آزمون نماگر دوم:

«حاکمیت عدالت و عدم تبعیض در جامعه باعث مشروعیت، مشارکت سیاسی، و اعتماد به نظام سیاسی می‌شود». جدول زیر نتایج حاصل از آزمون این نماگر را نشان می‌دهد:

نتایج آزمون نماگر دوم:

|              |              |  |
|--------------|--------------|--|
| حاکمیت عدالت |              |  |
| ۰/۴۷۲        | ضرب هم‌بستگی | مشروعیت، مشارکت سیاسی،<br>و اعتماد به نظام |
| ۰/۰۰۰        | سطح معنی‌دار |  |
| ۲۸۳          | تعداد        |  |

از جدول بالا چنین برمی‌آید که در سطح خطای  $\alpha = 0.05$  داریم:  $0 \cong Sign < \alpha = 0.05$  و این بدان معناست که فرضیه نماگر دوم پژوهش مبنی بر این که «حاکمیت عدالت و عدم تبعیض در جامعه باعث مشروعیت، مشارکت سیاسی، و اعتماد به نظام سیاسی می‌شود» تأیید می‌شود.

آزمون نماگر سوم:

«شفافیت‌سازی مسائل و امور اجتماعی سیاسی باعث افزایش مشروعیت سیاسی و نهایتاً مشارکت سیاسی می‌شود». جدول زیر نتایج حاصل از آزمون این فرضیه را ارائه می‌کند:

نتایج آزمون نماگر سوم:

|             |              |  |
|-------------|--------------|--|
| شفافیت‌سازی |              |  |
| ۰/۶۲۲       | ضرب هم‌بستگی | افزایش مشارکت سیاسی و<br>مشروعیت سیاسی |
| ۰/۰۰۰       | سطح معنی‌دار |  |
| ۲۸۳         | تعداد        |  |

جدول بالا نشان می‌دهد که در سطح خطای  $\alpha = 0.05$  داریم:  $0 \cong \text{Sign} < \alpha = 0.05$  و این بدان معناست که نماگر سوم پژوهش مبنی بر این که «شفافیت‌سازی مسائل و امور اجتماعی سیاسی باعث افزایش مشروعیت سیاسی و نهایتاً مشارکت سیاسی می‌شود» تأیید می‌شود.

آزمون نماگر چهارم:

«شفاف‌سازی مسائل حاکم بر جامعه باعث ایجاد و انگیزه مشارکت و مشروعیت سیاسی می‌شود».

نتایج آزمون نماگر چهارم:

|         |               |                               |
|---------|---------------|-------------------------------|
| شایستگی |               |                               |
| ۰/۴۲۵   | ضریب هم‌بستگی | افزایش مشروعیت و مشارکت سیاسی |
| ۰/۰۰۰   | سطح معنی‌دار  |                               |
| ۲۸۳     | تعداد         |                               |

جدول بالا نشان می‌دهد که در سطح خطای  $\alpha = 0.05$  داریم:  $0 \cong \text{Sign} < \alpha = 0.05$  و این بدان معناست که نماگر چهارم پژوهش مبنی بر این که «شفاف‌سازی مسائل حاکم بر جامعه باعث ایجاد و انگیزه مشارکت و مشروعیت سیاسی می‌شود» تأیید می‌شود.

## ۸. نتیجه‌گیری

همان‌طور که اشاره شد، در واقع سرمایه اجتماعی یکی از منابع کلیدی در هر نظام سیاسی و نظام اجتماعی برای رسیدن به ابعاد توسعه (به‌ویژه توسعه سیاسی) است. به عبارتی، سرمایه اجتماعی در واقع زیربنای توسعه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی و مقدم بر آن است، زیرا که سرمایه اجتماعی در واقع توانایی گسترش کنش، غنی‌سازی کنش، تسهیل کنش، کاهش هزینه کنش، و منبع کنش اجتماعی - سیاسی را داراست. بنابراین، هر چه سطح سرمایه اجتماعی در یک جامعه و نظام سیاسی بیش‌تر باشد، آن نظام به لحاظ سیاسی توسعه‌یافته‌تر و پاسخ‌گوتر است و بالعکس. در این پژوهش نیز سرمایه اجتماعی به پیوندها و ارتباطات میان افراد جامعه به‌عنوان منبع بارز اشاره دارد که با دربرداشتن ارزش‌های اخلاقی و هنجارهای اجتماعی و اعتماد موجب تحقق اهداف جامعه می‌شود. این پژوهش برخلاف نظریات مطرح‌شده در جهت توسعه سیاسی تأکید و اولویت خود را بر سرمایه

اجتماعی و منابع آن می‌داند. آنچه این پژوهش را نسبت به این نظریات به‌ویژه تئوری‌های رابرت پاتنام و فوکویاما متمایز می‌کند نگاه و مطالعه بومی (اسلامی- ایرانی) نسبت به مقوله سرمایه اجتماعی و ارتباط آن با توسعه سیاسی است، زیرا توسعه در تمامی ابعاد (به‌ویژه توسعه سیاسی) با مؤلفه‌هایی هم‌چون تاریخ، جغرافیا، اوضاع سرزمینی، آداب و رسوم، فرهنگ، مذهب، و جهان‌بینی آن جامعه باید هم‌خوانی داشته باشد که تحت‌عنوان الگوی بومی قلمداد می‌شود. ازسویی، دین به‌عنوان ارزش‌های متعالی با کارکردهایی چون مشارکت، صداقت، تعهد، انضباط‌بخشی، و ... سازوکارهایی را موجب می‌شود که در قالب آن‌ها سرمایه اجتماعی شکل می‌گیرد و سایه‌های تحکیم توسعه را فراهم می‌نماید. بنابراین، رابطه دین و اعتماد اجتماعی- سیاسی مسئله‌ای است که به‌دلیل وجود چشم‌انداز دینی توسعه در جامعه کنونی ایران حائز اهمیت است. در این راستا، منابع اسلامی به‌طور کلی بزرگ‌ترین و مهم‌ترین منابع اعتمادساز با توجه به مؤلفه‌های گوناگون در یک نظام اجتماعی است. از همین زاویه، این پژوهش سعی داشت جایگاه اعتماد را، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین المان‌های سرمایه اجتماعی، با رویکردی بومی بازشناسی کند. مهم‌ترین شاخص‌ها و نماگرهای سنجش اعتماد در این پژوهش برای توسعه‌یافتگی سیاسی دربردارنده «صداقت، عدالت، شفافیت، و شایستگی» بود که در دو حوزه نظری و عملی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و با توجه به آمار استنباطی مشخص گردید ارتباط و رابطه کلیدی و معناداری میان اعتماد، به‌عنوان مهم‌ترین مؤلفه سرمایه اجتماعی، و نماگرهای موجود با توسعه سیاسی و شاخص‌های آن (مشروعیت سیاسی و مشارکت سیاسی) با رویکرد بومی وجود دارد که با مطالعه موردی در شهر شیراز این امر مشخص گردید.

### پی‌نوشت

۱. برای اطلاعات بیشتر، بنگرید به لک‌زایی، نجف و غلام‌حسین مقیمی (۱۳۹۰)، «نسبت مشروعیت و مشارکت سیاسی در اندیشه سیاسی امام خمینی»، پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی، س ۱؛ کریمی والا، محمدرضا (۱۳۸۹)، «نظرگاه اسلام در جستاری بر تقریرهای مشروعیت نظام سیاسی»، حکومت اسلامی، س ۱۵، ش ۳.

### کتاب‌نامه

قرآن مجید، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای.



- نهج‌البلاغه (۱۳۸۶)، ترجمه محمد دشتی، مشهد: آیین تربیت.
- ابطیحی، سیدمصطفی (۱۳۸۵)، «توسعه: ابعاد مفهومی، مبانی، و الگوی دینی و بومی»، راه‌برد یاس، س ۱، ش ۲.
- ازکیا، مصطفی و غلام‌رضا غفاری (۱۳۸۳)، *توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران*، تهران: نی.
- ازکیا، مصطفی و غلام‌رضا غفاری (۱۳۹۰)، *جامعه‌شناسی توسعه*، تهران: کیهان.
- الوانی، مهدی و علی‌رضا شیروانی (۱۳۸۵)، *سرمایه اجتماعی، مفاهیم، و کاربردها*، تهران: مانی.
- الویری، محسن (۱۳۸۴)، «سند چشم‌انداز توسعه و سرمایه اجتماعی»، *اندیشه صادق*، ش ۱۱ و ۱۲.
- بنیانیان، علی‌رضا (۱۳۹۳)، *الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، ضرورت‌ها و نتایج*، تهران: الگوی پیشرفت (وابسته به مرکز الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت).
- پاتنام، رابرت (۱۳۸۵)، *دموکراسی و سنت‌های مدنی*، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: دفتر مطالعات سیاسی کشور.
- تاج‌بخش، کیان (۱۳۸۴)، *سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی، و توسعه*، ترجمه افشین خاک‌باز و حسین پویان، تهران: شیرازه.
- توسلی، غلام‌عباس (۱۳۸۱)، «سرمایه اجتماعی، ثروت نامرئی (مصاحبه با دکتر توسلی، دکتر ذکایی، و دکتر شارع‌پور)»، *نشریه حیات نوا اقتصادی*، ش ۱۰۰.
- توسلی، غلام‌عباس و مرضیه موسوی (۱۳۸۴)، «مفهوم سرمایه اجتماعی در نظریات کلاسیک و جدید بر نظریه‌های سرمایه اجتماعی»، *نشریه نامه علوم اجتماعی*، ش ۲۶.
- تونیکس، فران و لزلی همس (۱۳۸۷)، *اعتماد و سرمایه اجتماعی*، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۸۵)، *صحیفه امام*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خواججه‌سروی، غلام‌رضا (۱۳۹۲)، *رقابت سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی ایران.
- خوش‌چهره، محمد (۱۳۹۱)، «اصول پایه‌ای و عناصر کلیدی الگوی اسلامی-ایرانی، پیشرفت از منظر اسناد فرادستی نظام جمهوری اسلامی ایران»، *فصل‌نامه راه‌بردی*، س ۲۱، ش ۶۲.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۷۹)، *دولت آفتاب: اندیشه سیاسی و سیره حکومت علی*، تهران: دریا.
- زتومکا، پیوتر (۱۳۸۷)، *اعتماد: یک نظریه جامعه‌شناختی*، ترجمه غلام‌رضا غفاری، تهران: شیرازه.
- زین‌آبادی، مرتضی (۱۳۸۷)، «بررسی وضعیت اعتماد در جامعه ایران و راه‌های بازسازی آن»، *پژوهش‌نامه اعتماد/اجتماعی*، تهران: مرکز راه‌بردی تشخیص مصلحت نظام.

شریفی، طاهره (۱۳۸۷)، «اعتماد اجتماعی و آموزه‌های دینی، پژوهش و اعتماد اجتماعی»، تهران: مرکز راه‌بردی تشخیص مصلحت نظام.

شیخی، محمدحسین (۱۳۹۰)، «عوامل مؤثر بر سلامت نظام اداری و رشد ارزش‌های اخلاق در آن»، اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، س ۱، ش ۲.

غفوری، محمد و روح‌الله جعفری (۱۳۸۶)، «سرمایه اجتماعی، جامعه مدنی و دموکراسی، رابطه متقابل یا یک‌سویه»، نشریه پژوهش‌نامه علوم سیاسی، س ۳، ش ۲.

فرانسیس، فوکویاما (۱۳۷۹)، سرمایه اجتماعی و حفظ آن، ترجمه غلام‌عباس توسلی، تهران: جامعه ایرانیان.

فصیحی، امان‌الله (۱۳۸۹)، اسلام و سرمایه اجتماعی؛ با تأکید بر رویکرد فرهنگی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

فیلد، جان (۱۳۸۵)، سرمایه اجتماعی، ترجمه جلال متقی، تهران: مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.

محمدی، محمدعلی (۱۳۸۴)، سرمایه اجتماعی و سنجش آن، تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی.

Batt, P. J. (2008), "Building Social Capital in Network", *Industrial Marketing Management*, vol. 37, no. 5.

Onyx, J. and P. Bullen (1998), *Measuring Social Capital in Five Communities in NSW: an Analysis*, Sydney, Australia: (Cacom) University of Technology, in the Management Altrnative Pty ltd.

Putnam, R. D. (1995), "Bowling Alone: America's Declining Social Capital", *Journal of Democracy*, vol. 6, no. 1.

Torgler, B. J. (2007), *Trust in International Organization*, Australia: University of Technology.